

بررسی گونه های زبان قرآن با تکیه بر اندیشه ایت الله جوادی آملی

مریم شحیطاوی^۱

چکیده:

زمینه و هدف: فهم کتاب الهی در گروه شناخت زبان آن است. از طرفی در باره زبان قرآن اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. برخی بر این باورند که زبان قرآن علمی و ادبی می باشد این در حالی است که عده ای آن را رمزی و دسته ای دیگر عرفی دانسته اند. به نظر می رسد که این تعدد آراء و نظرات، تأمل قابل توجهی را در این زمینه می طلبد. زیرا قرآن برای هدایت و بهرهمندی همه انسان ها و زبان ها آمده است. روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و از نظر انجام برای رسیدن به اهداف توصیفی - تحلیلی می باشد. منابع مکتوب و الکترونیکی با محوریت آثار حضرت آیت الله جوادی آملی مورد تأمل و مطالعه قرار گرفته شد. یافته های پژوهش: برخی یافته ها حاکی از آن است که قرآن از همه زبان ها چه زبان علم و ادب و چه عرف و... بهره گرفته است. ظاهر قرآن عرفی است، ولی موضوعاتی از قبیل؛ ظاهر و باطن، تاویل و تنزیل، محکم و متشابه، جری و انطباق، نظام مندی، خبر از مغیبات آن را از عرف متمایز می کند. به کارگیری بعضی از واژه ها در معنای خاص نمی توان زبان قرآن را محدود به یکی از این زبان ها نمود بلکه باید گفت. زیرا مخاطب اصلی قرآن، فطرت انسان هاست و رسالت اصیل آن نیز شکوفا کردن همین فطرت هاست و حضرت آیت الله جوادی آملی معتقد است که قرآن برای هدایت تمام بشریت تنزل یافته است. نتیجه گیری: آیت الله جوادی آملی با استناد به آیاتی چند، قرآن را کتابی توصیف کرده اند که برای هدایت همگان تنزل یافته و از نظر حوزه رهنمود نیز همان مشمول است و معتقد است که زبان قرآن زبانی جهانی است. علامه بر مبنای اشتراک فطرت در قاطبه بشریت، معتقد به فطری بودن زبان قرآن است تا مانعی برای بهرمندی از این کتاب آسمانی و زندگی وجود نداشته باشد.

واژگان کلیدی:

جوادی آملی، زبان قرآن، زبان فطرت، گونه های زبان، زبان جهانی

^۱ دانش پژوه سطح چهار (دکتری) تفسیر تطبیقی: مرکز تخصصی الزهرا/ شماره تماس: ۰۹۱۶۹۱۴۷۳۳۹ / y.shahitavi@chmail.ir

۱. بیان مسئله:

مسئله زبان قرآن در دهه‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است و مبحثی است نوپدید که در گذشته هم برخی ابعاد آن در قالب عناوین دیگری طرح شده، اما امروزه به دنبال مباحث فلسفه‌دین و به تبع آن «زبان دین» این بحث مورد کاوشهای متعددی قرار گرفته است. مراد از زبان در این مبحث شیوه تفهیم و تفاهم است. عنوان "زبان قرآن" نحوه خطابات قرآن را بیان می‌کند که در چگونگی این خطابات، اندیشمندان مسلمان هر کدام به سویی رفته‌اند (اعرابی و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۱). یکی از پرسش‌های مهمی که ذهن علاقه‌مندان به قرآن را به خود مشغول کرده، این است که بیان قرآن چه ویژگی‌هایی دارد که برای تمام نسل‌ها زیبایی و جذابیت دارد؟ آیا علت آن است که زبان قرآن زبانی خاص است که در بیان مقاصد خود وضع کرده است؟ در این صورت، چگونه قرآن با مردم عادی ارتباط برقرار می‌کند؟ یا اینکه زبان قرآن همان زبان عادی با همان ماهیت و ویژگی‌هاست؟ در این صورت، چرا گاهی برای مردم صدر نخست هم فهم آن با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است؟ آیا کاربردهایی در قرآن وجود دارد که در زبان عادی ماندنی برای آن وجود ندارد؟ اکثر محققان وجود زبان خاص بیگانه از زبان عادی برای قرآن را رد کرده‌اند، اما این پرسش مطرح می‌شود که قرآن چگونه توانسته بدون جدا شدن از زبان عادی متنی معجزه‌آسا باشد و تمام انس و جن را به تحدی فراخواند؟

پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته و هرکدام از جنبه‌ای خاص به تحلیل زبان قرآن پرداخته‌اند. در این نوشتار برآنیم که گونه‌های زبان قرآن را با محوریت اندیشه آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار دهیم و پرسش اصلی این پژوهش را بدین گونه عرضه نماییم:

از نظر آیت الله جوادی آملی صاحب تفسیر تسنیم زبان قرآن چگونه زبانی است و چه ویژگی‌هایی دارد؟ در ابتدا پیشینه‌ای از زبان قرآن، در گام بعدی گونه‌های زبان قرآن و چند نظریه مطرح در باب زبان قرآن مطرح کرده و در نهایت زبان قرآن را از منظر آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار داده می‌شود و به تحلیل و توصیف آن نظرات می‌پردازیم.

۲. پیشینه بحث زبان قرآن:

مباحث مربوط به زبان قرآن، متأثر از نظریات برخی از فیلسوفان دین در باب زبان دین و زبان کتاب مقدس است که هدف آنها بررسی تعارض «علم و دین» و توجیه ناپذیری برخی از مفاهیم دینی عهدین و ... بوده است؛ این در حالی است که معناشناسی مفاهیم آیات قرآن از قرن نخست در بین صحابه و تابعان رواج داشته

و برخی از آنان به بررسی این پرسش پرداخته اند که آیا کلمات و عبارات قرآن دارای همان معنای متعارف و عرف عام است یا مفهوم دیگری از آنها ارائه شده است؟

ابن عباس را شاید بتوان پیشگام این اندیشه دانست که برای تفسیر برخی از واژگان قرآن به اشعار عرب استناد می‌جسته و شعر را دیوان عرب و مرجع دریافت معانی دشوار قرآن می‌دانسته (سیوطی، بی تا، ج ۲: ۶۷؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۹۴) و معتقد بوده که «زبان قرآن» یک زبان ادبی است.

برخی از متکلمان در خصوص قدم یا حدوث قرآن که به گونه ای به بحث زبان قرآن مربوط می‌گردد، اختلاف نظر داشتند. معتزلیان به حدوث و خلق قرآن معتقد بودند و قرآن را همان کلمات و عباراتی می‌دانستند که در یک دوره تاریخی خاص بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده و دارای ابعاد زبانی و بیانی خاص است؛ بدین جهت در تحلیل «اعجاز قرآن» بر ساختار ادبی قرآن، مانند ایجاز، استعارات، تصریف و تشبیه تأکید دارند.

در برابر، «اهل حدیث» و برخی از اشاعره، معتقد به قدم قرآن بودند و آن را نمایی از حیثیات وجود الهی می‌دانستند. آنان معتقد به ویژگی‌های خاصی در باب معانی آیات قرآن شدند، به گونه ای که معانی را متحول و الفاظ را خادم آنها دانستند و بدین جهت، معتقد شدند که اعجاز قرآن در ساختار زبانی آن است که نمایی از توانایی عقلانی متکلم آن می‌باشد (جرجانی، بی تا: ۴۴ و ۲۴۹). در بین اصولیون نیز مباحث مربوط به زبان قرآن در قالب مباحث الفاظ و حجّیت ظواهر قرآن، تحلیل مسئله وضع و دلالت، حقیقت، مجاز، امر و نهی و ... مطرح بوده است (آخوند خراسانی، بی تا، ج ۳: ۱۵۶).

در کلام اسلامی نیز بحث معناشناسی صفات الهی به زبان قرآن، منتهی می‌شود. برخی معتقدند زبان قرآن در بیان صفات الهی، زبانی خاص و ویژه است که برای بشر قابل فهم نیست، مانند «معطله» و گروهی دیگر بر این باورند که زبان قرآن، زبانی عام و مشترک و برای همگان قابل فهم است، مانند «مشبهه». در عرفان اسلامی نیز بعضی به رمزی و اشاری بودن مفاهیم دینی معتقد شدند که مرتبط با زبان قرآن بوده است. فلاسفه در بحث معرفت دین، از واقعیت و ذهنی بودن مفاهیم انتزاعی، سخن گفته اند که مرتبط با زبان قرآن بوده است. در بین قرآن پژوهان و مفسران نیز از قدیم تاکنون، بحث ظاهر و بطن، تأویل و تفسیر، حقیقت و مجاز و معناشناسی کلمات و لغات قرآن مطرح بوده که به زبان قرآن مرتبط می‌گردیده است؛ گرچه با عنوان «زبان قرآن» مطرح نشده است. در دو دهه معاصر، اصطلاح «زبان قرآن» بیش از پیش مطرح و برخی از مباحث پیشین به صورت دقیق تر مطرح و آثاری نیز با عنوان «زبان قرآن» تدوین شده است (سعیدی روشن، ۱۳۸۳؛ ساجدی، ۱۳۸۵).

۳. گونه های زبان قرآن:

در صورت پذیرش معناداری و واقع نمایی کلمات و عبارات قرآن، گونه های فراوانی در خصوص زبان قرآن، مطرح شده که می تواند برخی از آنها در خصوص زبان قرآن صحیح باشد. ابتدا گونه های مختلف زبان را مطرح کرده، پس از آن به بررسی نظریه اندیشمند عالی ایت الله جوادی املی (مدظل) می پردازیم.

در بین صاحب نظران، درباره ی شیوه های مختلف انتقال مفاهیم، زبان های ذیل متداول است؛ برخی با یکدیگر تداخل دارند و قابل جمع هستند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۳-۲۵ و ۲۲۷؛ شاکر، ۱۳۸۲: ۱۱۶). اهم این زبان ها به اعتبار مقسم های متفاوت عبارت است از: زبان عرف عام و خاص، زبان اخباری و انشایی، زبان حقیقی و مجازی، زبان کنایی و غیر کنایی، زبان رمزی و غیر رمزی (وضعی)، زبان علمی یا تخصصی و غیر علمی، زبان ادبی یا بلاغی و غیر بلاغی، زبان تمثیلی یا مثالی و غیر تمثیلی، زبان سمبلیک یا اسطوره ای و افسانه ای و غیر سمبلیک، زبان احساسی و عاطفی و غیر احساسی، زبان ترکیبی و چند لایه ای و

در بین گونه های زبان، «زبان عرفی» به ویژه زبان عرف عام، در اغلب محاورات رایج است و غالب مردم از آن بهره مندند. در بین متخصصان هر رشته نیز که همان «عرف خاص» است، غالباً «زبان علمی» رایج است و مفاهیم تخصصی به واسطه ی آنها منتقل می شود، مانند «زبان حکما، عرفا، فقها» و دیگر فرق علمی یا متخصصان هر رشته ای که فرهنگ خاصی دارند.

در قرآن، وقتی خداوند از قیامت و فروپاشی کوه ها و تغییرات در زمین، خورشید و ... یاد می کند، آیا چنین گفت و گویی، از نوع زبان متعارف عرفی است یا آن که زبان ویژه ای دارد؟ آیا قرآن با بیان این مطالب، درصدد ایجاد احساسات و عواطف، یا زبان تعقل، با اسطوره یا زبان علمی است؟ قرآن از چه زاویه و با چه نگرشی با انسان ها سخن می گوید؟ آیا تمامی آیات از نظر زبان فهم، یکسان و هم سطح هستند یا سطوح معنایی متفاوتی دارند؟ آیا زبان دین، زبان خبررسانی است یا احساسی؟

به طور مثال: امین خولی بر اساس ایده هایی که طه حسین در باب مطالعه ادبی قرآن طرح کرده بود طرح تفسیر عبده را کامل و روش تفسیر ادبی جدیدی را پایه ریزی کرد (کریمی نیا، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

خولی در نقد عبده می گوید: قرآن عظیم ترین اثر ادبی است که زبان عربی را جاودانه ساخته است، از این رو نباید نخستین و مهم ترین غرض از تفسیر قرآن محقق ساختن هدایت و رحمت قرآن باشد، بلکه پیش از هر چیز باید قرآن را به عنوان بزرگ ترین کتاب عربی و اثر ادبی مطالعه کرد. هدایت یافتن به وسیله قرآن نیز گر چه غرض بزرگی است؛ اما نگاه دینی به قرآن باید بعد از مطالعه ادبی صرف درباره آن باشد (شتناوی، ۱۹۳۳م: ج ۵، ۳۶۵).

نتیجه این رویکرد آن است که مطالعه این کتاب مقدس الهی هیچ ارتباطی با ایمان به آن ندارد و هر عرب زبان و هر علاقه‌مند به زبان عربی حتی اگر بی دین یا منکر قرآن باشد لازم است به مطالعه ادبی این کتاب بزرگ عربی روی آورد و پس از آن هر کس برای هر غرض و مقصودی که دارد اعم از تشریع و احکام، اعتقادات، اخلاقیات، اصلاحات اجتماعی و جز این‌ها به قرآن مراجعه و مقصود خود را دنبال کند (همان: ج ۵، ۳۶۵ - ۳۶۶). به نظر وی تفسیر در روزگار ما مطالعه ادبی روش‌مند با سبک‌های بیانی کامل و نخستین هدف تفسیر نیز، تفسیر ادبی محض است و تحقق بخشیدن به هر غرض دیگر متوقف بر این مطالعه ادبی است (همان). پیروان این منهج تفسیری در جای جای آثارشان بر این نکته تاکید دارند که قرآن کریم در عین اینکه کلام خدای متعال است عظیم‌ترین اثر ادبی بلکه شاهکار ادبی هم به شمار می‌آید.

در ادبی بودن قرآن کریم و معرفی آن به عنوان یک اثر فوق‌العاده ادبی تردیدی نبوده، مورد قبول اکثر قریب به اتفاق مفسران اسلامی است. به همین جهت یکی از ابزارها و علوم مورد نیاز تفسیر را علوم زبان عربی یعنی لغت، صرف و نحو و علم بیان یا علوم بلاغت دانسته‌اند. (همان) به علاوه اینکه همه آنان که قرآن کریم را معجزه پیامبر اکرم (ص) شمرده و اساسی‌ترین وجه اعجاز را اعجاز در بیان و بلاغت و اسلوب و نظم این کتاب الهی دانسته‌اند، ادبی بودن کتاب را پذیرفته‌اند.

تاکید اصحاب تفسیر ادبی بر ادبی بودن قرآن کریم قضیه‌ای کلی و مبهم به نظر می‌رسد که می‌تواند به نتیجه تفسیر آسیب زند. طبعاً وقتی سخن از ادبی بودن متن قرآن به میان می‌آید، در بطن آن معنای مقایسه و مشابهت و ویژگی‌های قرآن به عنوان یک متن ادبی با متون ادبی بشری نهفته است، با این تفاوت که یکی کلام خداست و دیگری کلام بشر. در این باره برخی زبان‌دین را، رسولان و فرستادگان الهی دانسته‌اند چرا که بر اصل «نطق» در زبان تکیه کرده‌اند.

برخی نیز زبان‌دین را زبان ایمان دانسته‌اند نه زبان استدلال و برهان منطقی و آزمودن و تحقیق علمی و تجربی. گروهی دیگر نیز چون پوزیتیویست‌ها نظریه‌ای کاملاً خلاف این را دارند و معتقدند که تمام گزاره‌های دینی به این لحاظ که قابل تجربه و حس نیستند مهم‌اند و غیر قابل پذیرش (فرستخواه، ۱۳۷۶: ۴۳).

البته مباحث زبان‌دین و به طور عام زبان‌شناسی متون در چند قرن اخیر در غرب بسیار مطرح گردیده است. مباحثی که تحت عنوان «هرمنوتیک» امروزه مطرح است در واقع همین امر را دنبال می‌نماید. در حقیقت این طور از شواهد بر می‌آید که انگیزه برخی افرادی که به این مباحث پرداخته‌اند، تضادی است که میان عقل و علم با مباحث متافیزیکی و تعابیر رایج دینی در غرب یافته‌اند (همان، ص ۴۱).

قرآن، همه انسان‌ها در هر زمان و مکان است، زبان آن جهانی است؛ یعنی مطالب آن جهان‌شمول و قابل فهم برای همه اعصار و امصار است.

۶: آیت الله جوادی آملی: زبان قرآن، زبان جهانی و زبان فطرت است

در مقدمه تفسیر ارزشمند «تسنیم» آمده است: کتابی که برای هدایت همگان تنزل یافته و از نظر وسعت حوزه رهنمود، جهان‌شمول است، باید از دو ویژگی برخوردار باشد؛ اول آن‌که به زبانی جهانی سخن بگوید تا همگان از معارف آن بهره‌مند باشند و هیچ‌کس بهانه نارسایی زبان و بیگانگی با فرهنگ آن را خار راه خود نبیند و از پیمودن صراط سعادت‌بخش آن باز نایستد. دوم آن‌که محتوایش برای همگان مفید و سودمند بوده، احدی از آن بی‌نیاز نباشد؛ همانند آبی که عامل حیات همه زندگان است و هیچ موجود زنده‌ای در هیچ عصر و مصری از آن بی‌نیاز نیست.

به عقیده آیت‌الله جوادی آملی زبان قرآن زبان جهانی فطرت است ایشان در مقدمه تفسیر تسنیم جلد یکم می‌فرماید: در این مقال، سخن درباره ویژگی نخست، یعنی جهانی بودن زبان قرآن است. در فهم معارف قرآن کریم نه بهره‌مندی از فرهنگی خاص شرط است، تا بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن ویژه‌ای مانع، تا انسان‌ها با داشتن آن مدنیت مخصوص، از لطایف قرآنی محروم باشند و یگانه زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده بشری است، زبان «فطرت» است که فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار است و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره‌مند است و هیچ فردی نمی‌تواند بهانه بیگانگی با آن را در سر پیوراند و دست تطاول تاریخ به دامن پاک و پایه‌های استوار آن نمی‌رسد، که خدای فطرت آفرین آن را از هر گزندی مصون داشته است: «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ».

ایشان ابراز می‌دارد: مراد ما از «زبان قرآن» در این مقال، لغت و ادبیات نیست؛ زیرا روشن است که معارف قرآن کریم در چهره لغت و ادبیات عربی بر انسان‌ها نمودار گشته است و غیر عرب‌زبانان، پیش از فراگیری زبان و ادبیات عربی با لغت قرآن کریم ناآشنا نیستند. علامه جوادی مراد از زبان قرآن و مردمی بودن آن را سخن گفتن به فرهنگ مشترک مردم قلمداد می‌کند. انسان‌ها گرچه در لغت و ادبیات از یکدیگر بیگانه‌اند و در فرهنگ‌های قومی و اقلیمی نیز با هم اشتراکی ندارند، اما در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییرناپذیر است، با هم مشترکند و قرآن کریم با همین فرهنگ با انسان‌ها سخن می‌گوید، مخاطب آن فطرت انسان‌هاست و رسالت آن شکوفا کردن فطرت‌هاست و از این رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشر است و نشانه اشتراک فرهنگ قرآن کریم را می‌توان در گردهمایی دلپذیر سلمان فارسی و صهیب

روحی و لال حبشی و اویس قرنی و عمار عربی در ساحت قدس پیامبر جهانی حضرت محمد بن عبدالله (ص) که باشعار «بعثت الی الایض و الاسود و الاحمر» شهره عام شد مشاهده نمود (جوادی آملی، ۱۳۶۳).

آیت‌الله جوادی می‌گوید: جهانی بودن زبان قرآن کریم و اشتراک فرهنگ آن، در چهره اجتماع دلپذیر سلمان فارسی، صُهیب رومی، بلال حبشی، اویس قرنی و عمار و ابوذر حجازی در ساحت قدس پیامبر جهانی حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) که شعار «أُرسلتُ إلی الایض و الأسود و الأحمر» او شهره آفاق شد، متجلی است؛ زیرا در پیشگاه وحی و رسالت که ظهور تام وحدت خدای سبحان است، «کثرت صورت» محکوم «وحدت سیرت» است و تعدد زبان، نژاد، اقلیم، عادات و آداب و دیگر عوامل گوناگون بیرونی مقهور اتحاد فطرت درونی است (همو، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۷). (أَفَلَا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا)؛ آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند یا مگر بر دلهایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟ دعوت و ترغیب همه انسان‌ها به تدبر در قرآن کریم و توبیخ آن‌ها بر نیندیشیدن در آیات قرآنی، شاهد گویایی است بر جهانی بودن زبان قرآن و فراگیر بودن فهم معارف آن؛ زیرا اگر قرآن با فرهنگ ویژه برخی انسان‌ها سخن می‌گفت، دعوت همگان به تدبر در آیات آن لغو بود (همو، ۱۳۹۶: ۸۲).

بحث و نتیجه‌گیری:

آنچه در این نوشتار برای رسیدن به نظر علامه جوادی آملی در زمینه زبان قرآن انجام شد، بررسی چندین نظریه در زمینه زبان قرآن بود که عبارتند از: تئوری زبان علمی و نقد آن، تئوری زبان رمزی و سمبلیک و نقد آن، تئوری زبان عرفی به طور مطلق، زبان قرآن زبان ولایت، زبان قرآن، زبانی اعجاز گونه، نظریه ترکیبی زبان قرآن، نظریه زبان قرآن زبان برهان، زبان قرآن، زبان عربی. هر کدام از این نظریه‌ها مورد نقد و بررسی اجمالی قرار گرفت. علامه جوادی آملی در زمینه زبان قرآن بر مبنای ماهیت و رسالت کتاب آسمانی قرآن، این گونه زبان قرآن را معرفی می‌نماید: «کتابی که برای هدایت همگان تنزل یافته و از نظر وسعت حوزه رهنمود، جهان‌شمول است، باید از دو ویژگی برخوردار باشد؛ اول آن‌که به زبانی جهانی سخن بگوید تا همگان از معارف آن بهره‌مند باشند و هیچ‌کس بهانه نارسایی زبان و بیگانگی با فرهنگ آن را خار راه خود نبیند و از پیمودن صراط سعادت‌بخش آن باز نایستد. دوم آن‌که محتوایش برای همگان مفید و سودمند بوده، احدی از آن بی‌نیاز نباشد؛ همانند آبی که عامل حیات همه زندگان است و هیچ موجود زنده‌ای در هیچ عصر و مصری از آن بی‌نیاز نیست». بنابراین بنابر عقیده آیت‌الله جوادی آملی زبان قرآن زبان جهانی فطرت است. علت اختیار زبان قرآن بر اساس فطرت همانا اشتراک فطرت در بین بشریت است. در فهم معارف قرآن کریم نه بهره‌مندی از فرهنگی

خاص شرط است، تا بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن ویژه‌ای مانع، تا انسان‌ها با داشتن آن مدنیت مخصوص، از لطایف قرآنی محروم باشند و یگانه‌زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده بشری است، زبان «فطرت» است که فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار است و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره‌مند است و هیچ فردی نمی‌تواند بهانه بیگانگی با آن را در سر پیوراند و دست تظاول تاریخ به دامن پاک و پایه‌های استوار آن نمی‌رسد، که خدای فطرت آفرین آن را از هر گزندی مصون داشته است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ».

منابع:

✽قرآن

- بابایی، علی اکبر و دیگران، (۱۳۹۲)، روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ هشتم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان سمت، تهران.
- اسعدی، محمد و جمعی از محققان، (۱۳۹۴)، آسیب شناسی جریان های تفسیری، ج ۲، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران.
- اصفهانی، راغب، (۱۴۰۵ق)، مقدمه جامع التفاسیر، دارالدعوه، کویت.
- اعرابی، غلامحسین و اسمر جعفری، (۱۳۹۵)، «چیستی، چرایی و چگونگی زبان قرآن»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۸، صص ۴۱-۶۱
- بحرانی، سیدهاشم، (بی تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، موسسه الاعلمی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۳)، هدایت در قرآن، ج ۶، نشر فرهنگی رجاء، تهران.
- _____، (۱۳۸۳)، تفسیر تسنیم، انتشارات اسوه، چاپ چهارم.
- _____، (۱۳۹۶)، دین شناسی، تحقیق: حجت الاسلام محمد رضا مصطفی پور، چاپ نهم.
- جرجانی، عبدالقاهر، (بی تا)، الاعجاز القرآن، نرم افزار مشكاة الانوار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایه الاصول، موسسه ال البيت عليهم السلام، قم
- زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، دار المعرفه، بیروت، چاپ اول.
- ساجدی، ابوالفضل، (۱۳۸۵)، زبان دین و قرآن، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- سبحانی، جعفر، «زبان دین در فلسفه و کلام اسلامی»، مجله کلام اسلامی، ش ۲۳، ص ۱۹.
- سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۸۳)، تحلیل زبان قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، قم.
- سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، قم.
- شاکر، محمد کاظم، (۱۳۸۲)، مبانی و روشهای تفسیری، مرکز جهانی.
- شاکر، محمد کاظم، (بی تا)، روشهای تاویل قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- شتتاونی، احمد و دیگران، (۱۳۹۳م)، دائرة المعارف الاسلامیه، بیروت: دار المعرفه.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، کلیات سبک شناسی، فردوسی، تهران.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی، بیروت.
- عزیزی، عباس، (۱۳۷۹)، سیمای قرآن در آثار استاد علامه آیه الله حسن زاده آملی، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، تهران.

- فراستخواه، مقصود، (۱۳۷۶)، زبان قرآن، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۸۴)، «امین خولی و بنیانگذار مکتب ادبی در تفسیر»، برهان و عرفان، ش ۶.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، دارالفکر، بیروت.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، وحی و نبوت، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران.
- معرفت، محمدهادی، «شناخت زبان قرآن»، مجله بینات، بهار ۷۳، ش ۱، ص ۵۴ و ۵۵
- هادوی تهرانی، مهدی، (۱۳۷۷)، کتاب مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، موسسه خانه خرد، قم